



امام خمینی(ره):  
ما از شر رضاخان و محمدرضا خلاص شدیم، لکن از شر تربیت یافتگان غرب و شرق به این زودی ها نجات نخواهیم یافت.  
این ها برپادارندگان سلطه ابرقدرت ها هستند و سرسپردگانی هستند که با هیچ منطقی خلع سلاح نمی شوند؛ و هم اکنون با تمام ورشکستگی ها دست از توطئه علیه جمهوری اسلامی و شکستن این سد عظیم الهی بر نمی دارند.»  
صحیفه / جلد ۱۵ / صفحه ۴۴۶.

هفته نامه سیاسی اجتماعی کاوه

شماره مجوز: ۹۶۳۵۱۳

صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد

سرمدیر و مدیر مسئول: امیر مولایی

# کاوه

رجب ۱۴۳۹ / فروردین ۱۳۹۷

هفته نامه سیاسی اجتماعی کاوه

## همه با هم برای ایران

امیر مولایی

توان بالای تبلیغات کالای خارجی نسبت به کالاهای ساخت وطن، در رسانه های داخلی سبب شده است مردم نسبت به کالاهای وارداتی راغب تر باشند.

البته اینکه بعضی از صنایع داخلی هنوز دارای نواقص و ضعف های فاحشی هستند - بخوانید صنعت خودروسازی - نیز سبب عدم اقبال عمومی نسبت به خرید کالای ایرانی شده است. و نهادهای مسئول باید پاسخگوی این امر باشند.

از دیگر سو گروهی از دولت مردان غرب زده که رویای بازار آزاد را در سر می پروانند با شعار ایجاد فضای رقابتی؛ عامداً یا سهواً در تلاشند تا با کاهش تعرفه گمرکی برخی از محصولات راه را برای ایجاد فضای رقابتی محیا نمایند. در صورتی که تشکیل فضای رقابتی باید ابتدا در میان محصولات داخلی شکل گیرد و پس بهبود کیفی مناسب این محصولات، جهت رقابت در بازار جهانی اقدامات لازم انجام شود.

در پایان باید توجه داشت که حمایت از کالای ایرانی میسر نمی شود مگر با همراهی همه مردم. حتی اگر تعرفه های گمرکی به سمت صفر میل کنند؛ تا زمانی که مردم اولویت خود را خرید کالای وطنی قرار دهند، اقتصاد کشور می تواند به یک اقتصاد مستقل تبدیل شود.

همه ساله در آغاز هر سال با توجه به شرایط موجود در کشور و در راستای راهبرد رسیدن به ایرانی مستقل و آزاده، مقام معظم رهبری عنوان ویژه ای را برای آن سال انتخاب می نمایند؛ که به عنوان شعار سال قلمداد می شود.

در چند سال اخیر به دلیل ایجاد شرایط جنگ اقتصادی و اعمال تحریم هایی چند علیه ایران توسط دول غربی نیاز به یک سازوکار اقتصادی استقلال محور بیش از پیش احساس شد. از این رو با آغاز دهه ۹۰ شمسی شعارهای سالانه در دربردارنده مفاهیم اقتصادی بوده است و سال ۹۷ نیز از این قائده مستثنی نبود. مقام معظم رهبری امسال را به عنوان سال حمایت از کالای ایرانی نام گذاری نمودند چرا که جهاد اقتصادی، تولید ملی، اقتصاد مقاومتی و مفاهیمی از این دست هیچگاه به سرمنزل مقصود نخواهد رسید مگر با حمایت از تولید کننده داخلی و کالای ایرانی.

امروز پس از گذشت هفت سال از شروع گفتمان جهاد اقتصادی؛ به جرات می توان ادعا کرد که هیچ اقدام مثبتی در جهت بهبود شرایط اقتصادی مردم توسط دولت ها انجام نشده است. یکی از دلایل مهم در از بین رفتن چرخه تولید و ورشکستگی تولید کنندگان جزء و کلان عدم ممنوعیت ورود کالاهای دارای مشابه داخلی به کشور است. سیاست دولت در برابر واردات بی رویه کالا و

حال که در شروع سال جدید هستیم بر آن شدم برخلاف رویه های معمول که بیشتر به مسائل جنجالی سالی که گذشت پرداخته می شود، این بار به رویداد هایی به پردازم که شاید برای افکار عمومی جذابیت چندانی نداشته باشد ولی در میان اهالی فن واکنش های زیادی را منجر شده است

دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی ایران در طی سالی که گذشت بارها در مورد مسائل اعتقادی گوناگونی اظهار نظر های متفاوتی کرده است، که این اظهارات جنجالی ایشان مورد نقد های فراوانی از سوی شخصیت های مختلف قرار گرفته است، بر همین مبنا در این یادداشت بر آن شدم تا چندی از اظهارات ایشان را در سالی که گذشت مورد نقد و بررسی قرار دهم. نگارنده در این یادداشت این پیش فرض را که چرا یک مسئول اجرایی در مسائل فکری دخالت میکند را کنار گذاشته و فرض فرار به جلو دولت برای عدم پاسخگویی به مسائل اجرایی کشور را نیز نادیده گرفته و فقط در پی نقد و بررسی اظهارات ایشان میباشد. در ادامه به برخی از اظهارات ایران اشاره کرده و درصدد نقد و بررسی آن ها خواهیم آمد.

۱- انتخاب و نظر مردم مبنای حکومت و ولایت از نظر امیرالمومنین

حجت الاسلام والمسلمین حسن روحانی رئیس جمهوری در جریان مراسم دیدار و ضیافت افطار جمعی از پزشکان و اساتید دانشگاه طی سخنانی درباره شخصیت امیرالمومنین علی(ع) با اشاره به روایتی از ایشان گفت ((امیرالمومنین (ع) مبنای ولایت و حکومت را نظر و انتخاب مردم می داند، هرکسی شما آن برگزید به عنوان رهبر خودتان و جامعه، من هم اطاعت می کنم، من هم می شنوم و اجرا میکنم)) این بخش از سخنان روحانی در محافل سیاسی-مطبوعاتی بازتاب گسترده ای یافت.

اما چندین نکته، در این اظهارات جای اشکال است که باید به آن ها توجه کرد. از نظر اعتقادات شیعه ولایت و تعیین مصداق ولایت نه تنها در دست مردم نیست بلکه در دست رسول اکرم (ص) نیز نمی باشد، چرا که تعیین ولی، صاحب ولایت و حاکمیت بر مردم به دست خداوند است و ولایت امیرالمومنین را خود خداوند تدبیر کرده و پیامبر اکرم (ص) ابلاغ آن را برعهده داشتند. بنابراین طرح چنین موضوعی توسط رئیس جمهور کشور آن هم با تقطیع کلامی از امیرالمومنین(ع) که در شرایط خاصی بیان شده، به عنوان این که امیرالمومنین (ع) مبنای ولایت و حکومت را نظرو انتخاب مردم می داند و هر کسی که آنان تعیین کنند، اطاعت میکند، خلاف حقیقت و یک مغلطه بزرگ است.

نکته دیگری که وجود دارد این است که ایشان به خطا ولایت و حکومت را به یک معنا گرفته اند در حالی که ولایت برابر با حکومت نیست بلکه یکی از شئون ولایت، ولایت کردن بر مردم است. نه این که این دو مقوله مترادف هم باشند. نکته ای دیگر، اگر امیرالمومنین (ع) به گمان رئیس جمهور مبنای ولایت و حکومت را رای و نظر مردم می داند پس چرا در خطبه شششنبه خلفای پیش از خود را که مردم با آن ها بیعت کرده بودند و خلافت آن ها را پذیرفته بودند به شدت نقد میکنند و خلافت آن ها را باعث ضعف و انحطاط جامعه اسلامی میدانند؟؟ امیرالمومنین(ع) بعد از خیانتی که در جریان سقیفه صورت گرفت و آن وجود مبارک را از جایگاه الهی خود محروم کردند، نفرمود که چون مردم با خلیفه اول بیعت کردند من نیز تابع نظر ایشان هستم و از نظرشان اطاعت میکنم، بلکه آنچه در منابع شیعه و سنی آمده است. حضرت درصدد قیام و انقلاب برآمد و همراه حضرت زهرا و حسنین به در خانه اصحاب پیامبر رفتند و سفارش های پیامبر را درخصوص ولایتشان دوباره مطرح کردند و به مردم نسبت به کار خلافتی که کردند هشدار دادند. یعنی ایشان را برخلاف نظر خدا و رسول از جایگاه رهبری جامعه بیرون کرده اند.

دکتر روحانی در بخش دیگری از سخنان خود که بازتابی گسترده در فضای مجازی داشت میفرمایند ((انتخابات ما پیروی از

تفکر غرب نیست و رای و نظر مردم هدیه غرب بعد از رنسانس نیست)). این حرف گرچه صحیح می باشند ولی باید توجه کرد که روش و منش ایشان در این انتخابات به گونه ای بود که حتی در خود مغرب زمین نیز سابقه ای نداشته است حتی در رژیم صهیونیستی نیز به هنگام انتخابات دو حزب مطرح ((لیکود)) و ((کارگر)) برای رای جمع کردن، کاندیدای رقیب خود را به چالش می کشاند و حتی یکدیگر را به فساد های اخلاقی و مالی متهم میکنند ولی وقتی پای هويت و منافع ملی آن ها مطرح میشود حاضر نیستند بر خلاف اصول کلی خود جهت گیری کنند.

۲- جواز نقد معصومین

دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری ۱۸ دی ماه در دیدار با وزیر و معاونان وزارت اقتصاد و امور دارایی در صحبت هایی گفت ((همه باید انتقاد شوند و استثنا ندارد. تمام مسئولین در کشور قابل نقدند. ما در کشور معصوم نداریم مگر این که یک وقت امام دوازدهم ظهور کرد، آن وقت هم می شود نقد کرد. پیغمبر هم اجازه نقد می داد، بالاتر از پیغمبر که در تاریخ نداریم. وقتی پیغمبر صحبت میکرد. یک نفر بلند میشد و می گفت ((ا من الله ام منک)) حرف خودت هست یا خدا وحی کرده است. اگر می گفت ((من الله)) که هیچ امر خداست، اما اگر میگفت ((منی)) طرف مقابل میگفت قبول ندارم و نقد میکرد ما در زمان معصوم هم نقد را داریم.))

مسئله نقد اهل بیت(ع) و خصوصا پیامبر اکرم(ص) به اصل عصمت بازگشت دارد و این مسئله ی اتفاقی بین تمام فرق اسلامی است. خطا نپذیری و عصمت رسول اکرم (ص) در گفتار و رفتار نیز مورد پذیرش قاطبه مسلمین است. اساسا نقد منطقی بدون وجود معیار نقد امکان پذیر نیست و معیار نقد عبارت است: حقایق مسلمة خطاناپذیر و کلام خدا یعنی قرآن کریم و سنت رسول اکرم(ص) و مضمومین (ع) از این دسته از حقایق مسلمة خطاناپذیرند که خود معیار نقد سایر گفتارها است و نقد آنچه خود معیار نقد است از نظر منطقی خطایی روشن است. بنابراین آنچه رئیس جمهور محترم میفرمایند که مردم وقتی مشاهده میکردند سخن پیامبر، سخن خود ایشان است و میگفتند قبول نداریم صحیح نمی باشد زیرا اگر سخن پیامبر نیز بتواند باطل باشد و خطایی در فرمایش ایشان بوده باشد دیگر سخن ایشان حجت برای مردم نبوده و وظیفه ی رهبری از ایشان ساقط می شود و اصولا دیگر امام و راهنمای امت نمیتوانند باشند. اما نکته مهمی که باید بدان توجه کرد واز آن غافل نشد این است که وجود عصمت پیامبر در گفتار و رفتار باعث نمیشود که در چنین جامعه ای پرسش از پیامبر و معصومین نباشد، و این با وجود عصمت پیامبر و معصومین منافاتی ندارد

بنابراین در چنین جامعه ای نیز مردم می توانند در مقام پرسشگری ظاهر شوند کما اینکه این گونه نیز بوده است اما این موضوع نباید به معنای عدم عصمت معصومین که خطا در گفتار و رفتار ایشان راه ندارد تلقی شود.

۳- علوم انسانی اسلامی نداریم!!

آقای روحانی در اختتامیه سی و یکمین جشنواره بین المللی خوارزمی تکلیف علم را روشن کردند و اقسام اهل علم در کشور را نیز معرفی فرمودند ایشان در بخشی از سخنانشان میفرمایند: ((علم، علم است و به نوع تفکر و ایدولوژی وصل نمی شود عده ای در کشور ما سال ها وقت صرف کردند تا ریاضی و شیمی و فیزیک اسلامی درست کنند، ایشان، پول، وقت و امکانات زیادی مصرف کردند اما جهصلی به دست نیاوردند. این عده حتی تلاش کردند، علوم را در دسته بندی های علوم مرتبط با دین و علوم ضد دینی یا علوم سنتی و جدید تقسیم بندی کنند و اصرار داشتند که نباید علوم جدید را بپذیریم و میگفتند ما هر چه از علم نیاز داریم میتوانیم از حوضه های علمیه به دست بیاوریم، لذا نیازی به دانشگاه نداریم. امروز دیگر این تفکرات در جامعه ما طرفداری ندارد.))

نکنه ی بسیار عجیبی که در این قسمت از سخنان رئیس جمهور وجود دارد تقسیم ریاضی، فیزیک و شیمی به اسلامی و غیر اسلامی است نگارنده نمی داند چه کسانی به دنبال این ادعا بوده اند پس بهتر است ایشان این افراد را به مردم معرفی کنند تا مردم افرادی را که با پول بیت المال به دنبال چنین هدفی بودند را بشناسند.

ایشان ادامه میدهند: ((عده دیگری بودند که سعی داشتند ثابت کنند آغاز و منشا همه علوم از اسلام بوده است و برای ربط دادن هر شاخه ای به اسلام به دنبال آیه و روایت میگشتند. این باور نیز صحیح نیست ما تا کیدات موکد پیامبر اکرم (ص) را داریم که پیروان اسلام را به علم آموزی از هر نقطه جهان تشویق میکردند. بنابراین هرگونه تلاش برای تقسیم بندی علم محکوم به شکست است. اساسا اینکه هر شاخه ای از علم را به جنبه ای از دین وصل کنیم، برای آن علم شان و جایگاه ایجاد نمی کند و اگر آن را به دین وصل نکنیم هم چیزی از ارزش آن کم نخواهد شد. دین یک نگاه، رویکرد و تفکر بلند برای زندگی بشر است که علوم مختلف در ذیل آن تعریف می شوند. علوم از لحاظ اهداف و نتایج آنها به دو دسته کلی قابل تقسیم هستند یک دسته که علم را بر مبنای تفکر مادی ابزار سلطه و اعمال قدرت بر دیگران میداند و دسته دیگر که علم را در خدمت رشد و تعالی انسان ها میخواهد.))

این سخنان نیز قابل تأمل است. اصولا علم در دوران مدرن بیشتر جنبه کمی و تکنیکی داشته و همواره به دنبال تصرف و تسلط بر طبیعت است برخلاف علوم ماقبل مدرن که بیشتر نگاه کیفی به عالم داشت. این تفاوت علاوه بر هدف های نیز دیده میشود. اسوالدا شپنگلدر در فصل چهارم (method و علم در روش ها) mythos(انسان و تکنیک) مینویسد: (حقیقت این است که هر تئوری علمی یک قصه)

درباره فهم نیرو های طبیعت است. در فرهنگ فاوستی هر تئوری از یک فرضیه که ((کار میدهد)) نشات گرفته است. این فرضیه بیرونی نیازی ندارد که صحیح باشد بلکه فقط باید باشد هدف بر گرفتن و پرده برداری از راز های عالم نیست، بلکه (praktisch عملی) میخواهد آنها را برای اهداف مشخص قابل استفاده کند)) هیدگر نیز معتقد است تکنولوژی جدید نوعی انکشاف است، اما انکشافی که در تکنولوژی جدید حاکم است، نوعی تعرض است. در دوره ظهور تکنولوژی نیز، مهمترین تحولی که رخ داده است این است که وضع ما نسبت به جهان عوض شده و درک تازه ای از جهان نسبت به درک پیشین نشسته است. هیدگر همچنین معتقد است که تکنولوژی جدید نه برای کشف راز از طبیعت بلکه به مثابه یک مبارزه با طبیعت است. بنابراین همان طور که آقای روحانی قبلا نوشته اند: (برخی از کنار تحولات فلسفه علم، بی اعتنا میگذردند و از این نکته مهم نیز غافل هستند که تا در حوضه فلسفه علم پیشرفت نداشته باشیم. نمیتوانیم در عرصه نظریه پرداز، کاری بایسته صورت بدهیم) بنابراین لازمه عبور از علم کمی، متصرف، استیلا جو بر طبیعت باید به دنبال تحول در فلسفه علم بوده و نگاه بر عالم باید از نگاه تصرف گرانه خارج شود و این همان چیزی است که ما باید به دنبال تحول در آن باشیم.

همان طور که در ابتدای یادداشت اشاره شد قصد نگارنده نقد مستدل و منطقی نظرات و آرای بحث بر انگیز ایشان به دور از جهت گیری های سیاسی در این یک سالی که گذشت بود هر چند شاید نظرات ایشان سیاسی بوده باشد اما باید به این نکته توجه کرد که علم مقوله مقدسی است؛ بنابراین این مقوله را نیز باید به اهل فنش سپرد. در کل اندیشمندان یک رقیب بیشتر ندارند و آن سیاسیون هستند که ردای اندیشه را به قصد غرض سیاسی آلوده می کنند(از هر طیفی که باشند) و تفکر را به تفنن تقلیل میدهند. اگر ائتلاف قدرت و رسانه ساحت اندیشه را به صاحبش واگذارند و دامن از دریای علم برچینند، هم بر اندیشه کمک کرده اند، هم شان خود را نگه داشته اند.